

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چستی و ماهیت حقوقی بیمه طلاق

مولفین
عرفان بیگزایی

ویراستار
ناهید فرامرزی

انتشارات فرزندگان دانشگاه

۱۳۹۸

سرشناسه	: بیگزضایی، عرفان، ۱۳۷۴-
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: چیستی و ماهیت حقوقی بیمه طلاق/ مولفین عرفان بیگزضایی؛ ویراستار ناهید فرامرزی.
مشخصات نشر	: تهران: فرزانهگان دانشگاه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۳۸-۲۹-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: زنان مطلقه -- ایران -- شرایط بیمه
موضوع	: Divorced women -- Iran -- Insurance requirements
موضوع	: زنان مطلقه -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران
موضوع	: Divorced women -- Legal status, laws, etc. -- Iran
موضوع	: طلاق -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Divorce -- Law and legislation -- Iran
موضوع	: حقوق بیمه -- ایران
موضوع	: Insurance law -- Iran
موضوع	: تأمین اجتماعی -- ایران
موضوع	: Social security -- Iran
شناسه افزوده	: فرامرزی، ناهید، ۱۳۵۱-، ویراستار
رده بندی کنگره	: HQ۹۲۲/۵۶/ب۹ج۹ ۱۳۹۸
رده بندی دیویی	: ۳۰۶/۸۹۰۹۵
شماره کاتالوگ ملی	: ۵۶۱۳۵۶۲

انتشارات فرزانهگان دانشگاه

چیستی و ماهیت حقوقی بیمه طلاق

تألیف عرفان بیگزضایی

ویراستار: ناهید فرامرزی

ناشر: فرزانهگان دانشگاه

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۲۹-۶۵۳۸-۶۲۲-۹۷۸

مرکز فروش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم



۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

فهرست مطالب

۸.....	پیشگفتار
۱۰.....	فصل اول
۱۰.....	کلیات
۶۸.....	فصل دوم
۶۸.....	بهره مندی از بیمه طلاق
۱۲۴.....	منابع و ماخذ

پیشگفتار

بیمه طلاق با هدف جلوگیری از ناامنی اقتصادی برخی از زنان که از همسر خود طلاق می‌گیرند و به جهت مشکلات عدیده آسیب می‌بینند، از طرف یک شرکت بیمه عنوان شده است. این بیمه چند ماه در مشهد اجرا شد و مقرر شد در استان گلستان و سپس سمنان نیز برای اجرا آماده شود؛ اما در طول این مدت با نظرات گوناگون و اعتراضاتی مواجه شد. آیا ضرورت دارد طرحی به نام بیمه طلاق اجرا شود یا خیر؟ این سؤالی است که تلاش می‌شود در این بررسی تا حد مقدور به آن پاسخ داده شود. جدایی زوجین پس از سال‌ها زندگی به علل گوناگونی اتفاق می‌افتد. عواملی موجب می‌شود تا زن و شوهر نتوانند به زندگی ادامه داده و به ناچار از همدیگر جدا شوند. عللی که برای طلاق برشمرده می‌شوند عبارتند از: عوامل زیستی (عدم تناسب سن ازدواج، بیماری، نازایی)، عوامل اجتماعی و روانی (احساس نارضایتی، ناهماهنگی میان زوج‌ها، فشارهای عصبی و خشونت)، عوامل اقتصادی (فقر و فقدان منابع مالی و امکانات) و عوامل فرهنگی. در یک تحقیق که در دادگاه‌ها به منظور بررسی مشکلات حقوقی زنان صورت گرفته علت درخواست طلاق از طرف زنان به ترتیب عبارت بودند از: عدم پرداخت نفقه، اعتیاد مرد، مجهول‌المکان بودن مرد، سوء معاشرت مرد، ضرب و شتم، عدم تأمین جانی و تهدید به کشتن، بیماری مرد و اختلالات روانی، تهمت و فحاشی، عدم تفاهم اخلاقی، انجام عمل نامشروع، سرقت، خیانت در امانت، عقیم بودن مرد، مشروب‌خواری مرد، عدم انجام وظایف زناشویی، و اهانت به مقدسات شرعیه. موارد دیگری نیز چون ازدواج تحمیلی، بلا تکلیفی در دوران نامزدی، داشتن همسر دیگر، داشتن دوست ناباب، مبتلا بودن مرد به بیماری مسری خطرناک در زمره علت‌های درخواست طلاق از جانب زنان، آمده است. یادآوری این نکته لازم است که وقتی انگیزه درخواست طلاق، علل فوق است روشن می‌شود که زن در چه شرایط سختی قرار داشته و بنا به چه دلالتی درخواست طلاق داده و چرا علی‌رغم میل قلبی حاضر شده است که زندگی خانوادگی خود را از دست بدهد. شرایط پیش آمده موجب می‌شود تا محرز گردد که چنین زنی برای آنکه کمتر به آسیب دچار شود، به حمایت بیشتری نیاز دارد. سستی بنیان خانواده و کاهش مهر و محبت در خانه و در بین اعضای خانواده موجب افزایش طلاق می‌شود. طلاق هر چند که در هنگام ضرورت تجویز شده است

ولی در صورتی که با تمهیداتی همراه نباشد، موجب آسیب‌های بسیاری می‌گردد. به خصوص هنگامی که زنان با طلاق، خانواده را ترک می‌کنند یا به زور و جبر از خانه بیرون رانده می‌شوند بدون آنکه امکانات مناسب را برای ادامه زندگی داشته باشند و از حمایتی بهره‌مند شوند. عواقب ناگوار طلاق بر هیچ کس پوشیده نیست. شاید بتوان گفت که در بین آسیب‌های اجتماعی عصر کنونی زیان طلاق از بقیه آسیب‌ها بیشتر است چون نه تنها زن زیان می‌بیند بلکه فرزندان و شوهر نیز دچار خسران می‌شوند؛ و این زیان در واقع اجتماع کوچک خانواده را دچار زیان می‌کند و تبعات آن نیز قابل کتمان نیست اما غالباً زیان‌بینی زن در طلاق بیشتر است بخصوص که با توجه به مسئولیت مرد در زمینه نفقه زن، با طلاق پشتوانه اقتصادی زن از بین می‌رود و چون هنوز غالب زنان از درآمد مستقل از شوهر برخوردار نیستند، با طلاق، آینده مبهم و وحشت‌زایی در انتظار آنان است. احراز آسیب بخصوص آسیب اقتصادی به زن در نتیجه طلاق موجب شده تا راهکارهای مختلفی برای کاهش این آسیب‌ها مورد توجه قرار گیرد. برخی مخالفان با طلاق، تسهیل در آن را موجب افزایش طلاق دانسته و معتقدند که باید با سختگیری، از طلاق جلوگیری کرد و با طرح‌هایی چون بیمه طلاق به شدت مقابله می‌کنند ولی برخی طلاق را در مواردی لازم دانسته و معتقدند باید با راهکارهایی از زیان بیشتر طلاق جلوگیری کرد و نمی‌توان و نباید همیشه و در همه حال مانع انجام طلاق شد. هر دو گروه دلایل خود را دارند که باید جداگانه مورد بحث واقع شود اما چون در جامعه و قانون طلاق وجود دارد و آمار آن نیز امروزه به جهات گوناگون افزایش داشته است. ارائه راهکارهای حمایتی مورد توجه است. وجود زنان مطلقه فراوان و لزوم حل مشکلات آنان جامعه را ناگزیر به حمایت و چاره‌جویی برای رفع مشکلات، زنان مطلقه می‌کند. زنان مطلقه در صورت طلاق هر چند که در هنگام ضرورت تجویز شده است ولی در صورتی که با تمهیداتی همراه نباشد، موجب آسیب‌های بسیاری می‌گردد. به خصوص هنگامی که زنان با طلاق، خانواده را ترک می‌کنند یا به زور و جبر از خانه بیرون رانده می‌شوند بدون آنکه امکانات مناسب را برای ادامه زندگی داشته باشند و از حمایتی بهره‌مند شوند.

فصل اول

کلیات

در قوانین عادی چند حق برای زن در هنگام و بعد از طلاق در نظر گرفته شده است که خود آن حقوق و استیفای آنها با ابهام و سختی همراه است از جمله:

۱. زن در صورت طلاق می‌تواند نفقه عقب‌افتاده و یا حاضر خود را مطالبه کند.

اثبات نفقه و اینکه زن آن را دریافت نکرده است و یا کیفیت آن و محاسبه میزان درست آن،

کار بسیار سختی است. اینکه میزان آن چقدر است؟ مفید فایده است یا خیر؟

۲. زن در صورت طلاق می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند. (ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی)

درخواست چنین حقی نیز به سختی امکان‌پذیر است. مهریه اندک است یا زیاد؟ باید وارد

معامله شد و در قبال عدم دریافت مهریه فرزند را به دست آورد یا خیر؟ مهریه زیاد امکان

چانه‌زنی را افزایش می‌دهد ولی اگر مهریه کم باشد چه باید کرد؟ پس از هفت خوان رستم،

اگر مرد دچار عسر و حرج باشد و قادر به پرداخت تعهد خود بر مهریه همسر نباشد چه باید

کرد؟ ۳. زن در صورت طلاق می‌تواند اجرت‌المثل سال‌های تلاش خود را در منزل همسر

درخواست کند. البته در صورتی که به صراحت اعلام کند که کارهای منزل را مجانی انجام

نداده و کلیه امور را به درخواست شوهر انجام داده است. برای محاسبه اجرت نیز متأسفانه

قاعده درستی اعمال نمی‌شود و تابع نظر قاضی دادگاه و به تبع آن سلیقه‌ای است لذا هیچ

بخشنامه و آیین‌نامه‌ای برای محاسبه واقعی وجود ندارد. نظر قاضی است که تعیین می‌کند زحمات شما چه میزان می‌ارزد و پس از طلاق با آن وجه تا چه حد می‌توانید به آینده امیدوار باشید.

۴. زن در صورت طلاق می‌تواند به شرط اول دفترچه سند ازدواج استناد کند و بخواهد در اموال به دست آمده در طول زندگی با همسرش شراکت کند.

البته در صورتی که هر دو پای شرط را امضا کرده باشند و متن شرط منطبق با اصل ۲۹ قانون اساسی بیان می‌دارد برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. در اصل ۲۱ قانون اساسی و بند ۴ آن به ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست اشاره داشته و اعلام می‌دارد که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و چهار بند را به عنوان امور مربوط برمی‌شمرد که بیمه خاص یکی از آنان است. شرایط موجود باشد؛ یعنی مرد بدون دلیل بخواهد زن را طلاق دهد و ...

یکبار دیگر شرط اول دفترچه ازدواج را مطالعه کنید تا مشخص شود که این شرط در عمل نتوانسته به تأمین آتیه زنان کمک کند. هیچ یک از موارد فوق نمی‌تواند به زن مطلقه این اطمینان را بدهد که پس از سال‌ها زندگی اکنون که ناچار از جدایی و طلاق است، تأمین آتیه دارد و دچار آسیب‌های اجتماعی نخواهد شد. بررسی پرونده‌های دادگستری بیانگر این نکته است که به ندرت زنان توانسته‌اند از آنچه قانون مدنی به آنان بشارت داده بود، سود جویند و خاطری آسوده داشته باشند.

مبحث اول: بررسی حقوقی جایگاه و مزایای زنان مطلقه

زمانی ضرورت پیش‌بینی بیمه‌ی طلاق قابل درک خواهد بود که لزوم و اهمیت حمایت از زنان مطلقه به خوبی تبیین گردد به همین منظور دلایلی را که موجب تنویر این مهم است، در مطالب زیر بیان خواهد شد.

گفتار اول: آمار رو به رشد طلاق و شرایط نامطلوب اقتصادی

مطالعه‌ی آمارهای وقوع طلاق و عوامل شکل‌دهنده‌ی وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور، به صراحت پرده از این واقعیت برمی‌دارد که در حال حاضر هر دو مورد، از وضعیت ناپسندی برخوردار است، که به طریق اولی بیش از دیگران دامن‌گیر زنان مطلقه می‌باشد. لذا در این گفتار، در بند اول، آمارهای طلاق و در بند دوم، شرایط نامطلوب اقتصادی فعلی بررسی خواهد شد.

بند اول: آمار رو به رشد طلاق

متأسفانه برخلاف تعالیم و آموزه‌های دینی^۱ که تأکید بر حفظ نظام خانواده و اجتناب از جدایی دارد، آمارهای ارائه شده در سال‌های اخیر در کشور، پرده از واقعیت دیگری برمی‌دارد. آمارهای اعلام شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور به خوبی نشان می‌دهد که روند وقوع طلاق سیر صعودی را در پیش گرفته است به طوری که در سال ۱۳۸۸، در مقابل ۸۹۰,۲۰۸ ازدواج، ۱۲۵,۰۴۷ واقعه‌ی طلاق در کل کشور به ثبت رسیده است^۲ و نسبت ازدواج به طلاق را به ۷/۱ رسانده است؛ به این معنا که در کل کشور، حدوداً از هر ۷ ازدواج یک مورد آن به طلاق منجر شده است.^۳ در سال ۱۳۸۹ نیز، در مقابل ۸۹۱,۶۲۷ ازدواج، ۱۳۷,۲۰۰ واقعه‌ی طلاق در کل کشور رخ داده است^۴ و نسبت ازدواج به طلاق به رقم ۶/۵ منتهی شده است؛ یعنی به ازای هر ۶/۵ ازدواج یک طلاق واقع شده است.^۵ همچنین در سال

^۱- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هیچ حلالی نزد خداوند مغبوض‌تر از طلاق نیست»، امام صادق (ع) می‌فرماید: «طلاق عرش خدا را می‌لرزاند» (محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت، جلد ۲۲، قم - ایران، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق)، صص ۷ و ۹.

^۲- سایت سازمان ثبت احوال کشور، «طلاق‌های ثبت شده سال ۱۳۸۸ به تفکیک استان»، (قابل دسترسی در: <<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset/0/AmarHayati/t-12.pdf>>، تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۱/۱۰).

^۳- همان، «ازدواج و طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۸۸ و نسبت ازدواج به طلاق»، قابل دسترسی در: <<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset/99/13-88.pdf>>.

^۴- همان، «طلاق‌های ثبت شده سال ۱۳۸۹ به تفکیک استان»، قابل دسترسی در: <<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset/99/AmarHayati/13-89.pdf>>.

^۵- همان، «ازدواج و طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۸۹ و نسبت ازدواج به طلاق»، قابل دسترسی در: <<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset/99/13-89.pdf>>.

۱۳۹۰، در برابر ۸۷۴,۷۹۲ ازدواج، ۱۴۲,۸۴۱ واقعه‌ی طلاق در کل کشور رخ داده است^۱ و نسبت ازدواج به طلاق را به ۶/۱ رسانده است؛ به این معنا که حدوداً از هر ۶ ازدواج یک مورد آن به طلاق منتهی شده است.^۲ در سال ۱۳۹۱ نیز در برابر ۸۲۹,۹۶۸ ازدواج، ۱۵۰,۳۲۴ واقعه‌ی طلاق به ثبت رسیده است^۳ و نسبت ۵/۵ را به وجود آورده است؛ که از هر ۵/۵ ازدواج یک طلاق اتفاق افتاده است. بررسی آمارهای مزبور به وضوح مبین آن است که از سال ۱۳۸۳ به بعد^۴ علی‌رغم صعود آمار ازدواج و طلاق در کنار یکدیگر، نسبت ازدواج به طلاق کاهش یافته است به این معنا که هر ساله تعداد ازدواج‌هایی که در مقابل یک طلاق رخ می‌دهد در حال نزول است به طوری که در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب در برابر هر ۷، ۶/۵، ۶، ۵/۵ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است و تعداد ازدواج‌های کمتری در مقابل هر یک از طلاق‌ها قرار گرفته است و به نظر می‌رسد همواره این نسبت در حال کاهش یافتن است. در کشوری مانند آمریکا و حتی در جوامع غربی، آمارهای ارائه شده از وقایع طلاق در ۴۰ سال اخیر، نشان می‌دهد که حدوداً ۵۰ درصد از ازدواج‌های اول و بیش از ۶۰ درصد از ازدواج‌های مجدد منحل گردیده است^۵ اما همواره روند یکنواختی را طی نموده است.^۶ براساس توزیع گروه‌های سنی نیز، در سال ۱۳۸۸ بیشترین طلاق به ثبت رسیده مربوط به زنان

^۱- همان، «طلاق‌های ثبت شده سال ۱۳۹۰ به تفکیک استان»، قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/t-۹۰.pdf>>.

^۲- همان، «ازدواج و طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۰ و نسبت ازدواج به طلاق»، قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/e-t-n-۹۰.pdf>> .

^۳- همان، «ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۱ به تفکیک استان»، قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/e-۹۱.pdf>> .

تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۴/۲۵). و همان، «طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۱ به تفکیک استان»، قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/t-۹۱.pdf>>

^۴- برای رعایت اختصار، صرفاً سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ از باب نمونه آورده شده است، برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه

رجوع کنید به: همان، قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=۴۸۲۲>>

^۵- Avalibale at: "Shifting a Societal Paradigm", Site: Safeguard,

<http://www.safeguardguaranty.com/Learn_more.html>, Last visited: ۲۷/۸/۲۰۱۳ .

^۶- Site: Safeguard, "Help change lives for the better", (Avalibale at:

<<http://wedlockdivorceinsurance.com/helpchangelivesforthebetter۱.html>>, Last visited: ۲۷/۸/۲۰۱۳).

۲۰ - ۲۴ ساله بوده که تعداد آن برابر با ۱۵,۶۱۵ واقعه‌ی طلاق بوده است.^۱ در سال ۱۳۸۹ نیز بیشترین طلاق ثبت شده مربوط به زنان ۲۰ - ۲۴ ساله بوده که تعداد ۱۶,۴۷۴ واقعه‌ی طلاق را تشکیل داده‌اند.^۲ همچنین در سال ۱۳۹۰ بیشترین طلاق ثبت شده مربوط به زنان ۲۰ - ۲۴ ساله بوده که تعداد ۱۶,۰۷۱ واقعه‌ی طلاق از این گروه سنی به ثبت رسیده است.^۳ در سال ۱۳۹۱ نیز در میان زنان ۲۰ - ۲۴ ساله، ۱۶,۷۱۴ مورد طلاق ثبت شده است.^۴

آمارهای فوق نشان‌دهنده‌ی ابتلاء خانواده‌های بسیاری به واقعه‌ی طلاق و مطلقه شدن زنان جوان با محدوده‌ی سنی بسیار پایین است. از یک سو تعداد چشم‌گیر وقوع طلاق در کشور به هیچ‌وجه قابل مسامحه نبوده و از سوی دیگر تعداد زنان جوانی که کانون خانواده را از دست داده‌اند نیز بسیار قابل توجه است. تنها مذاقه در این آمارهای تکان‌دهنده، کافی است تا زنگ خطر را برای مسؤولان و نهادهای حمایتی از زنان، به صدا درآورد.

بند دوم: شرایط نامطلوب اقتصادی

شرایط اقتصادی جامعه بدون شک یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر نوع و میزان جرائم است زیرا در صورتی که جامعه از حیث اقتصادی در رفاه باشد مطمئناً جرائمی که ریشه در فقر و مشکلات مالی افراد دارد، کمتر به وقوع خواهد پیوست. در مقابل، هرچه شرایط اقتصادی اجتماع از وضع نامطلوب‌تری برخوردار باشد زمینه‌های ارتکاب جرائم که ریشه در معضلات مالی دارد نیز تشدید شده و بر میزان وقوع این‌گونه جرائم افزوده خواهد شد. وضعیت نابه‌سامان اقتصادی ریشه در دلایل بسیاری مانند تورم، توزیع نامناسب درآمد، گرانی و ... دارد. با توجه به اینکه در طول چند سال اخیر میزان تورم اقتصادی و توزیع نامناسب درآمد به شدت

^۱- پیشین، «توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۸۸»، (قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/tt-۸۸.pdf>>

تاریخ رجوع: ۱۳۹۲/۱/۱۰.

^۲- پیشین، «توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۸۹»، (قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/tt-۸۹.pdf>>

^۳- پیشین، «توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۹۰»، (قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/T-G-۹۰.pdf>>

^۴- پیشین، «توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۹۱»، (قابل دسترسی در:

<<http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset۹۹/T-G-۹۱.pdf>>

افزایش یافته و گرانی کالاها و خدمات در ردیف بزرگ‌ترین مشکلات افراد و خانواده‌ها به ویژه خانوارهای زن سرپرست^۱ قرار گرفته است، به وجود آمدن مفهومی به نام، «زنانه شدن فقر»، امری طبیعی است. در کشورهای صنعتی نیز در دهه‌ی ۸۰ میلادی، مفهوم زنانه شدن فقر ایجاد شده است.^۲ این در حالی است که مردان در مقایسه با زنان، کمتر دچار عارضه‌ی فقر اقتصادی گشته‌اند.^۳ لذا لازم است نسبت به حمایت از زنان خودسرپرستی که از شوهران خود جدا شده و به تنهایی بار زندگی را تحمل می‌کنند، اقداماتی برای حمایت مالی از آنان صورت پذیرد. توجه به یک نظرسنجی که برحسب اتفاق از جامعه‌ی زنان خودسرپرست صورت گرفته، برای درک شرایط نامطلوب اقتصادی زنان مطلقه کاری سودمند است. در یک پژوهش که از طریق مصاحبه از ۳۲ زن که بنا به دلایل مختلفی سرپرستی خانوار را بر عهده داشته‌اند انجام شد، ۹۷/۹ درصد از پاسخگویان، مسأله‌ی اقتصادی را جزء مسائل و مشکلاتی دانسته‌اند که در اولویت اول تا سوم نگرانی آنهاست و ۷۶/۳ درصد از آنان، مسأله‌ی مالی را بزرگ‌ترین

^۱ تفاوت خانواده با خانوار این است که خانواده الزاماً باید متشکل از یک زن و شوهر با تحقق رابطه‌ی زوجیت مشروع باشد در حالی که منظور از خانوار «مجموع کسانی که در یک خانه زندگی می‌کنند، افراد یک خانواده» (حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، بی‌جا، راه رشد، ۱۳۸۹)، ص ۴۷۲) است. اهالی یک خانوار الزاماً زن و شوهر نیستند و حتی ممکن است متشکل از یک نفر باشد (وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، پیشین، ص ۲۵). بنابراین خانوار کلی‌تر از خانواده است و به همین دلیل است که در سرشماری‌ها از واژه خانوار استفاده می‌شود.

^۲ زهرا عبدی، «زنان سرپرست خانوار نیازمند حمایت اجتماعی»، (هفته‌نامه برنامه، آذر ۱۳۸۵، شماره ۱۹۶، صص ۱۸ - ۲۰)، ص ۱۹؛ افسانه کمالی، «مشکلات اجتماعی: زنان فقر مضاعف»، (فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۷۹ - ۲۰۲)، ص ۲۰۰؛ شراره ورزگر، «پیامد فقر، رشد جمعیت و ویرانی محیط زیست بر زنان»، (فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ویژه، بهار ۱۳۷۴، صص ۳۲۸ - ۳۴۶)، ص ۳۳۰.

^۳ سوسن سیف، «بررسی مقایسه‌ای میزان پیامدهای طلاق در زنان و مردان مطلقه‌ی ایرانی و آمریکایی»، (فصلنامه خانواده و پژوهش، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳، صص ۸۱ - ۱۰۴)، ص ۹۶؛ ژاله شادی‌طلب و علیرضا گرای‌نژاد، «فقر زنان سرپرست خانوار»، (فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳، صص ۴۹ - ۷۰)، ص ۴۹، ۵۰، ۶۷ و ۶۸؛ ژاله شادی‌طلب و معصومه وهابی و حسن ورمزیار، «ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فقر و نابرابری در ایران/ فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، (فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۲۷ - ۲۴۷)، صص ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۴ و ۲۳۵.